

ده هکتار یعنی صد هزار مترزمین بایر است که بر آن غلفهای هرز بسیار روئیده است. خندقی دورتادور قلعه کنده بوده اند که آثار آن تا امروز باقی است. اطراف این محوطه بزرگ دیواری و باروئی بوده است و آثار آن پیدا است. طرف شمالی این اراضی قسمتی تپه مانند است که ظاهراً قسمتی از ارگ قلعه بوده است. در شرق قلعه خاکریز دیگری است که با خندقی از اراضی اصلی قلعه جدا می شود. بلندی این قسمت از سایر قسمتهای قلعه بیشتر است. شاه نشین و ارگ اصلی قلعه ظاهراً در این جا بوده است. در ارگ اصلی و در اراضی پهناور قلعه دو حلقه چاه آب بوده است که آثار آنها تا کنون برجای است. چاه ارگ شرقی قلعه به علت ارتفاع اراضی آن از چاه اصلی قلعه عمیق تر بوده است.

معروف است که خاک خاکریز این قلعه را از اراضی «دزدک چال» بار فروش (= بابل) با توبره اسب دست به دست داده و بدینجا رسانیده اند.

امام قلعه

تقریباً در شمال «کافر قلعه» خاک ریز دیگری است که خاک آن با خاک کافر قلعه اختلاف دارد. در خاکریز کافر قلعه شن و ریگ دیده نمی شود، در صورتیکه در خاکریز امام قلعه، شن و ریگ غالب بر اجزای خاک است. معروف است که این شن را از گرم رود آورده اند. بالای این خاکریز تأسیسات کشاورزی است و اداره کشاورزی این اراضی را ضبط کرده است. شاید امام قلعه، پیش قلعه کافر قلعه بوده است.

امامزاده فضل

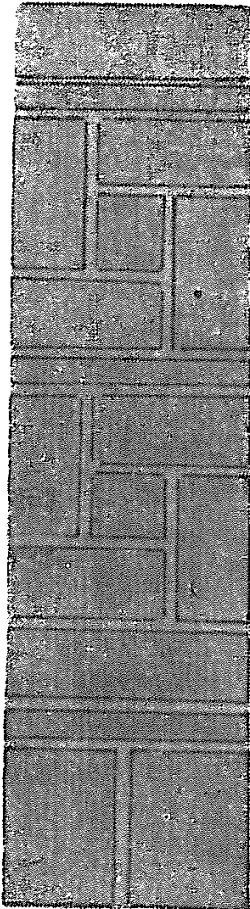
در دهکده زیارو از دهکده های دشت سر

راه دهکده زیارو، از کوچه لطفی در محله «پل به یور» آمل به بازیار کلا و

کنسی^{۱۰} و بزمینان^{۱۱} و کمکلا^{۱۲} و از آنجا به زیارو می رود.^{۱۳}

۱۰- بکسرکاف و نون. ۱۱- بضم باء. ۱۲- بضم هردو کاف رودخانه ای که از کمکلا می گذرد معروف به «کاری» است که به بابل رود می رسد. یکی از شعب این رود معروف به «بورود» است. ۱۳- از سرکوه لطفی تا دهکده زیارو در حدود ۱۶ کیلومتر است.

بنای امامزاده فضل بنائی است مستطیل شکل که از مسجد متصل به آن به در



ورودی بقعه می رسیم. در ورودی دولنگه است و بر چهارچوب نیز کنده کاری کرده اند پاره چوبی مشبک و قطور بر روی کلنگی چهارچوب است که دو طرف آن چهار آویز دارد. هر دو آویز در مقابل یک لنگه قرار می گیرد. بلندی این در ۱۷۵ و پهنای آن ۵۳ سانتیمتر است.

برحاشیه بالای لنگه سمت راست این عبارت نوشته شده است:

هذا المشهد ابلفضل بن موسی

کاظم

بر بانی سمت چپ همین لنگه عبارات زیر است:

صاحب العماراة المشهد و

خادم کمینه حاجی زیاد مز بن محمد

بن داود بن سماع بن هدی بن اسمعیل^{۱۴}

عمل ابراهیم نجار بن سلیمان نجار

ابن سنه ثلاث و ثمانین و

تسعمائه .

این در دولنگه از قطعات تخته ساخته شده که به

یکدیگر کم و زبانه شده است طرح هر لنگه از

این قرار است:

صندوق مزار در وسط اطاقی چهار گوشه است درازی آن ۲۵۷ و پهنایش ۱۵۲

و بلندیش ۱۳۳ سانتیمتر است.

۱۴- نام این خادم و نام پدر آن او غریب و ناشناخته است.

عبارات زیر بر حاشیه بالای بدنه جنوبی صندوق حک شده است :

هذه روضة منوره للامير الاعظم السعيد الشهيد المرحوم الامير محمد بن الامير الشهيد المغفور المبرور الامير افضل طابت ثراه وجعل الجنة مثواه في او ايل رجب سنة احدى اربعين وثمانمائه عمل استاد شمس الدين ابن جلال الدين النجار الانصاري

بر حاشیه بالای بدنه غربی صندوق :

بسم الله الرحمن الرحيم الله لاله الا هو الحي - تا - الارض من ذی

بر حاشیه بالای بدنه شمالی صندوق :

الذی یشفع عنده - تا - هو العلی العظیم صدق الله العظیم خطه

مظهر الداعی الحسینی .

بر حاشیه بالای بدنه شرقی صندوق :

امر بعمارة هذه الروضة الشريفة السيد المعظم مالك رقاب الامم الامير علاء الدين خلدت مملكته مزارآله ولاخيه السيد المرحوم عبدالخالق الامير الاعظم . . . المكرم مقيد اهل [كذا]

دو درخت کهنسال

در اراضی « آقادر » در دهکده بزمینان ۱۵ دشت سر

در میدان دهکده بزمینان دو درخت کهنسال است که به نام « آقادر » معروفند . یکی از آنها اوجا است که دورته آن به ۵۶۶ سانتیمتر و دیگری آزاد است که دورته آن به ۵۴۰ سانتیمتر می رسد .

امامزاده عباس ۱۶

در کم دره (= کیمره ۱۷) دشت سر آمل

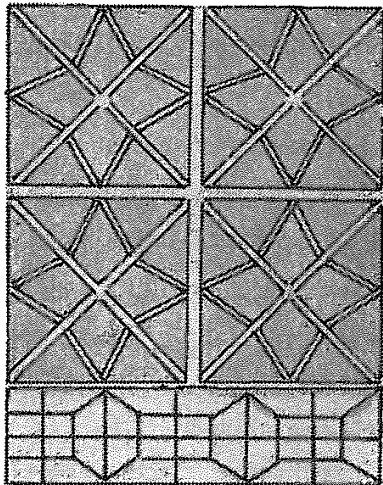
بنای اصلی بقعه قدیمی به نظر نرسید . مسجدی کوچک متصل به بنای بقعه است . پهنای در ورودی مسجد ۶۰ و بلندی آن ۱۸۴ سانتیمتر است . در ورودی بقعه ۴۹ × ۱۶۲ سانتیمتر است و این عبارات بر پاساروسط لنگه سمت راست نقر شده است : تمام شدت جام در صحن متبرکه امامزاده عباس .

از ید اقل خلق الله آقا سید الله قلی و استاد علی اکبر نیاکی بانی

در مشهدی حاجی [كذا] .

دو لنگه در ورودی از قطعات چوب تشکیل شده که به یکدیگر کم و زیادانه

کرده اند . طرح گل و بوته و حاشیه بندی آن چنین است :



صندوقی قاب و آلت کاری؛

مرقد امامزاده عباس و مادر و خواهر

اورا پوشانده است درازای آن ۵۲۸

و پهنایش ۱۴۰ و بلندی آن ۱۱۸

سانتیمتر است .

بالای در ورودی حیاط گچ-

بری است که نوشته های آن بسیار

بدخط و ناخوانا است . انتهای کتیبه

آن «عمل محمد علی امیری ۱۱۳۹»

نخوانده می شود .

۱۶- شاید امامزاده عباسی که در طومار نام آن آمده و در بلوک دشت سر به تولیت درویش مرد حاجی بوده این امامزاده عباس باشد . ۱۷- کم دره (بضم کاف) را اهالی « کیمره » (بتشدید راء) تلفظ می کنند . کم دره ده از دهستان دشت سر بخش مرکزی شهرستان آمل ۷/۵ کیلومتری مشرق آمل سه کیلومتری جنوب شوسه آمل به بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) در کتاب اسامی دهات کشور ج ۱ ص ۱۵۸ از این امامزاده یاد شده است .

امامزاده محسن

در تمسک ۱۸ دشت سرآمل

بنایی است قدیمی، چهار گوشه، با گنبدی کوتاه. ضلع شرقی بقعه از داخل ۳۱۲ و ضلع قبلی آن ۳۴۷ سانتیمتر است، در طرف قبلی بنا دو طاقما است که بالای آنها دو پنجره نورگیر است. دیوارهای شمالی و غربی هر یک دو طاقما دارد. در ورودی در دیوار شرقی است و دو طرف آن از داخل، دو طاقنمای کوچک است. در کمر بند گنبد چهار مصراع شعر در چهار جهت است که بسیار بدخط و ناخواناست. مسجدی متصل به بنای بقعه است. درازای آن از داخل ۳۷۵ و پهنای آن ۳۶۰ سانتیمتر است. طاق وسط مسجد بر دو نیم فیلی پای جنوبی و شمالی متکی است و این طاق مسجد را به دو قسمت کرده است. در سه جانب مسجد هر یک در طاقنماست و در ورودی مسجد یکی از طاقنماهای قبلی است (عکس شماره ۸۴).

امامزاده قاسم

در اراضی کهکرون محله پایین هشتل ۱۹ از دهکده‌های دشت سر

بنای اصلی بقعه چهار ضلعی است که مسجدی متصل به آن است و ایوانی در جلو مسجد ساخته شده است (عکس شماره ۸۵). در اصلی بقعه کنده کاری بسیار ظریف دارد. پهنای هر لنگه ۴۲ و بلندی آن ۱۶۹ سانتیمتر است. عبارات زیر بر پاسار بالای لنگه سمت راست با خطی بسیار خوش حک شده است:

الدنيا ساعة وجعلها طاعة

۱۸- بفتح تاء وضم میم ده از دهستان دشت سر بخش مرکزی شهرستان آمل ۱۱/۵ کیلومتری شرق آمل ۱/۵ کیلومتری راه آمل به بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) اهالی محل این دهکده را جزء دهکده‌های هرازی می‌دانستند. ۱۹- هشتل (بکسر هاء و تاء) ده از دهستان دشت سر بخش مرکزی شهرستان آمل شش کیلومتری و نیم شرق آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ:

الدنيا قطرة فاعبروها ولا يعمروها

بر پاسار پایین لنگه سمت راست:

عمل [به علت فرسودگی خواننده نشد]

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ:

فی تاریخ خمس و ثلثین و ثمانمائه

بر بالای دماغه در باخط نسخ خوش:

الله مفتوح الابواب

باقی متن در، قاب و گره و حاشیه بندی و کنده کاری و گل و بوته دارد، صندوقی کنده کاری بسیار ظریف در وسط بنا مرقد را پوشانده است. درازای آن ۲۳۸ و پهنایش ۱۲۹ و بلندی آن ۱۰۴ سانتیمتر است این صندوق بر چهار چوبی قرار دارد که درازای آن ۲۵۳ و پهنای آن ۱۴۴ و بلندی آن ۱۸ و قطر آن ۷ سانتیمتر است. دو بدنه شرقی و غربی صندوق هر کدام یک قاب و بدنه‌های شمالی و جنوبی هر کدام دو قاب کنده کاری دارد.

بر حاشیه بالای بدنه شمالی صندوق آیات زیر از کلام الله مجید است:

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو - تا - علمه الابماشاء

بر حاشیه بالای بدنه شرقی:

وسع كرسيه السموات - تا - فمن يكفر

بر حاشیه بالای بدنه جنوبی:

بالطاغوت و يؤمن - تا - فيها خالدون هذا المرقد المنور

بر حاشیه بالای بدنه غربی صندوق عبارات زیر حک شده است:

للشيخ الاعظم قدوة الاوليا والمحققين مظهر كلمات الله العليا

قاسم بن علی موسی انارالله برهانه فی سنة اربعین و ثمانمائه.

بر طرف دست چپ بدنه جنوبی صندوق:

عمل حسین بن استاد شمس الدین الانصاری

برپایین بدنه جنوبی صندوق :

عمل فخرالدین بن الاستاد جمال الدین الانصاری

بنای اصلی از داخل چهارگوشه است . در هر يك از اضلاع يك طاقنمای بلند است . با چهار گوشوار گود ، چهار ضلعی تبدیل به دایره کامل شده و بر روی این دایره گنبدی بلند نوک تیز زده اند .

نمای خارجی بنا چهار ضلعی است که میان هر يك از اضلاع طاقنمای بزرگی است . بالای هر يك از بدنه‌ها سیزده قرنیس سینه کفتری و کشکولی است . گنبد بنا از خارج کلاه درویشی است .

سه گنبد دیگر در گورستان متصل به بقعه است . گنبد اول به ابعاد ۱۴۵×۲۰۰ سانتیمتر است . چهار گوشه تیز بنا را پخ زده اند . بالای دوضلع بلندتر شش کاشی و بالای دوضلع کوتاه تر پنج کاشی نیم دایره ای نصب کرده اند . در میان هر يك از اضلاع طاقنمایی ساخته اند . بالای این گنبد ، هرم مربع القاعده است و در ورودی ندارد . (عکس شماره ۸۶) .

گنبد دوم

درازای این گنبد ۲۲۲ و پهنای آن ۱۶۴ سانتیمتر است . چهار طاقنما در چهار طرف بناست . بالای این گنبد نیز هرم مربع القاعده است (عکس شماره ۸۷) .

گنبد سوم

این گنبد تقریباً چهار گوشه است درازای آن ۳۳۸ و پهنایش ۳۳۴ سانتیمتر است . در هر ضلع دو طاقنما ساخته اند . در فواصل انحناهای طاق طاقنماها ، سه مربع کم عمق در آورده اند که جای خالی انحناهای طاق طاقنما را پر کنند . در بالای این سه مربع ، مربع مستطیل کشیده ایست که به شکل جای کتیبه است . بام این گنبد نیز هرم مربع القاعده است (عکس شماره ۸۸) . درختان آزاد کهنسالی در اراضی گورستان متصل به بقعه است ، محیط دایره تنه آنها به ۶۰۰ و ۵۴۶ و ۵۳۳ سانتیمتر می رسد .

امامزاده محمد

در محله بالای هشتل دشت سر

بنائی است ساده با ایوانی جلو آن که دارای پنج ستون چهارسو با سرستون است . صندوقی ساده چوبین قبر را پوشانده است . بر حاشیه بالای آن آیه الکرسی با خطی بسیار بد و در آخر آن سنه ۱۲۸۶ قمری خوانده می شود .
در محوطه اطراف بقعه درختان آزاد و درختان موزی است . گرداگرد تنه دو اصله از درختان آزاد ، ۲۸۲ و ۴۰۰ سانتیمتر و درخت موزی ۲۸۳ سانتیمتر است .

گنبرکتی

در گیل محله نزدیک دهکده کته پشت دشت سر

خاگ ریز دستی و اثری قدیمی است . اراضی آن متعلق به عبدی و شرکاء رئیس - زاده است . گیل محله در جاده قدیمی آمل به بابل و در حدود پنج کیلومتری آمل است .

باقی بناها و آثار تاریخی دشت سر

۱- شرم کتی^{۲۰} نام کتی یاد آور تپه های قدیمی و خاگ ریز دستی است . و خود محل ، دهکده مخروبه ایست نزدیک کمانگر کلا .

۲- امامزاده ولی در جنگل بلبرون . بلبران نزدیک شهنه کلا (شحنه کلا) است . بلبران ده از دهستان دشت سر بخش مرکزی شهرستان آمل ۱۳/۵ کیلومتری شرق آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) .

۳- امامزاده شاه حمزه رضا واقع در بلوک دشت سر آمل به تولیت سید اجل و ورثه سید علی (طومار دوران صفوی) .

۴- امامزاده عبدالله رضا واقع در دشت سر آمل به تولیت درویش جاندار

۲۰- بفتح شین و راه و کسر میم و ضم کاف . این نام در فرهنگ جغرافیائی ایران به شکل شرمه کتی آمده و در باره آن نوشته است : نام آبادی کوچکی از دهستان دشت سر بخش مرکزی آمل که فعلاً مخروبه است .

(طومار دوران صفوی)

۵- امامزاده عبدالله علی واقع در بلوک دشت سرآمل به تولیت ملاحبادی
(طومار دوران صفوی)

۶- بناها و آثار تاریخی هرازی

کوشک شاه اردشیر
در رودبار، آمل

هنگامی که اسپهبد شمس الملوک رستم شاه غازی - پسر میانین شاه اردشیر - به مخالفت پدر برخاست ، همراهانش موافقت کردند تا او به قلعه دارا رود و قلعه را بگیرد . او از پدر اجازه خواست و به راه افتاد. در این وقت شاه اردشیر در قصر رودبار آمل بود و از این امر خبر یافت . کسان خود را به دنبال او فرستاد . پس از اینکه او را حاضر کردند ، شاه اردشیر دستور داد تا او را بند بر نهادهند و به قلعه دارا فرستادند^۱.

کوشهای حاجی محمد حسن امین الضرب
در محمودآباد مرکز هرازی و اهلم رستاق

مرحوم امین الضرب قصد داشت در محمودآباد سرای بزرگی برای بندرگاه آن بسازد (عکس شماره ۷۹) و کارخانه‌ای بزرگ و سایر تأسیسات نظیر حمام در آنجا برپا کند (عکس شماره ۹۰) و اسکله بزرگی که راه آهن آمل - محمودآباد به آن

۱- رود بار ده از دهستان هرازی بخش مرکزی شهرستان آمل ده کیلومتری شمال آمل،

پنج کیلومتری شرق جاده آمل به محمودآباد (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳) .

۲- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۶۴ و ۱۶۵ .

منتهی می‌شد برای بارگیری کشتیهائی که از روسیه می‌آمد آماده کند (عکس شماره ۹۱) و برای حمل و نقل کالاها، کشتی بادبانی به نام «اشگون طیقون سلامت‌رو» خرید و این شرح را با خط خود در بالای آن نوشته است: (عکس شماره ۹۲).

نقشه اشقون است که در تاریخ شهر ذی‌الحججه الحرام سنه ۱۳۰۳ کربلائی آقاسی بادکوبه‌ای از تنخواه حقیر بتوسط حاجی سعدالله^۲ خریداری شده است و این نقشه را فرستاده‌اند و جهش را از تنخواه جمعی محمود آباد هشت هزار منات بتوسط آقا محمد حسین داده‌اند مابقی راهم ایضاً بتوسط آقا محمد حسین داده‌اند و در حساب حقیر نوشته است... توضیحاً نوشته شد. درست‌راست این نقشه شرحی از لوازم «اشقون» آمده است که درست خوانده نمی‌شود.

امامزاده قاسم

در محمودآباد مرکز اهلم رستاق و هرازیبی

بنائی ساده و ناچیز کنار ساختمان دبستان بود و ارزش تاریخی نداشت.

تپه آق محله

در محمودآباد نزدیک پمپ بنزین

تپه ایست قدیمی که اطراف آن راکمی ریگ روان گرفته است.

نرگس کوتی

ابتدای راه محمودآباد به بابلسر

بردست راست جاده تپه‌ای بلند است که ظاهراً کوتی قدیمی است.

۳- حاجی سعدالله دماوندی مقیم بندرگز پدر حاجی یعقوب. ۴- آقا محمد حسین یزدی مقیم بادکوبه پدر محمد وکیل التجار، وکیل رشت در مجلس شورای ملی متوفی ۱۳۰۵ قمری (مطالب حاشیه درباره حاجی سعدالله و آقا محمد حسین را آقای دکتر اصغر مهدوی گفته‌اند و عکسها را هم ایشان لطف کردند. از مراحم ایشان متشکرم).

قلعه کوتی

در قلایند سرخ‌روده هرازیبی

دو کوتی نزدیک به یکدیگرند. یکی از آنها بزرگتر و در حدود چهار هکتار سطح بالائی آن است و دیگری کوچکتر و اراضی بالای آن به یک هکتار می‌رسد. قلعه کوچکتر طرف شرق قلعه بزرگ است.

عمارت و باغ حاکم لاریجان معروف به امیرمکرم (میرزا محمدخان)

در دهکده اوجی آباد هرازیبی^۶

از عمارت و باغ امیرمکرم کوچکترین اثری برجای نبود و محل آن را ساختمانهای تازه کرده بودند.

تکیه اوجی آباد نیز قدمتی نداشت و اثر تاریخی در آن دیده نشد قسمتی از بنای تکیه به نام «ابوالفضل» خوانده می‌شد و احترام امامزده برای آن قائل بودند.

خانه عباسقلی خان سرتیب لاریجانی

در دهکده اوجی آباد هرازیبی

میان عکسهای آل‌بوم ناصرالدین شاه عکسی^۷ از سردر خانه عباسقلی خان است که در سال ۱۲۸۳ قمری مطابق بارس‌ئیل از سمت جنوب انداخته شده است (عکس شماره ۹۳) از خانه و سردر آن کوچکترین اثری برجای نبود.

هفت پلکون (هفت پلکان)

در دهکده معلم‌کلای (ملاکلا) هرازیبی^۸

تکیه ایست نسبتاً زیبا (عکس شماره ۹۴) باسقانفاری (عکس شماره ۹۵)

۵- درسرخ‌رود خاندانهای: پروین، شیروی، شیرزاد و گولی زندگی می‌کنند.

۶- متن انگلیسی سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ۳۲. ۷- عکس شماره

۱۰- ۲۶۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. ۸- در فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳،

معلم‌کلايه از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ذکر شده است.

در مقابل آن. منبری در تکیه است که متولی مدعی بود چون هفت پله دارد، این تکیه به نام «هفت پلکون» خوانده شده است. در صورتیکه خود منبر بیش از پنج پله نداشت. پنجره‌ای مشبک نورگیر بالای در ورودی است که نسبتاً ظریف است این نوشته زیر آن خوانده می‌شد:

بسم الله الرحمن الرحيم نصر من الله وفتح قريب يا علي ادرکني کتبه
طهماسبلی عمل زين العابدين سنة ۱۲۲۷.

در بازدید سال ۱۳۵۰ شمسی در محوطه روبروی تکیه درختان افرا و اوجا وانجیر و انار و تله‌زیتون (شال‌پستونک) و شوخس بود ولی در بازدید سال ۱۳۵۶ درخت افرايي که محیط تنه آن به ۶۰ سانتیمتر می‌رسید با نارنجی که سنسال قدیمی باقی مانده بود.

درفر هنگ جغرافیائی ایران در این محل امامزاده‌ای نشان می‌دهد. در محل تحقیق شد امامزاده‌ای نداشت.

امامزاده عبدالله

در اراضی رودبار هرازی

بنائی است مستطیل با صندوقی چسبیده در وسط. دری‌کنده کاری حاشیه‌دار دارد پهنای در ۴۲ و بلندی هرلنگه ۱۷۰ سانتیمتر است. درخت چناری که سنسال در اراضی بقعه بود که گرداگرد تنه آن ۴۹۰ سانتیمتر بود.

امامزاده قاسم

در اورته دشت هرازی

بنائی است مستطیل از آجر، دری ساده و صندوق چسبیده در وسط بناست. ایوانی در جلو بناست که چهارستون چهارسو دارد.

تپه‌ای قدیمی

در دهکده کتی، از دهکده‌های هرازی

فعالاً بالای کتی را خانه‌هایی چند ساخته و دهکده کوچکی بوجود آورده‌اند.

یوسف رضا

در اراضی دهکده کله‌کون (کلبکان) هرازی ۱۰

بنائی مستطیل ساده ایست بابامی شیروانی. درو صندوقی ساده دارد. سه اصله درخت آزاد که که سنسال بودند در اراضی اطراف بقعه دیده می‌شد.

سیدبهاءالدین

در گورستان دریا سر هرازی

این گورستان میان جنگل آزاد که سنسال است. گور سیدبهاءالدین در هوای آزاد بود و بنائی نداشت. سنگ قبری به این شرح در اراضی گورستان دیده شد:

الحکم لله الواحد القهار آرامگاه مرحوم مغفور مشهدی نادعلی قرقی خلف
مرحوم مسلم ۱۳۳۵.
گرداگرد تنه درخت موزی (مازو، بلوط) که سنسالی به ۱۰۵۰ سانتیمتر درخت
آزادی به ۴۲۰ سانتیمتر می‌رسید.

باقی بناها و آثار تاریخی هرازی

- ۱- مزار و گورستانی قدیمی در بسیار سر هرازی.
- ۲- مزار درویش خانسار واقع در الم‌نور هرازی به تولیت میر مرتضی (طومار دوران صفوی).

۹- کتی ده از دهستان هرازی بخش مرکزی شهرستان آمل دو کیلومتری شمال آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۱۰- هرازی شامل هشت محل به نامهای زیر است: ۱- بسیار سر (بکسر اول) ۲- مین کل مرز (بکسر میم و ضم یاء و فتح کاف و کسر لام) ۳- گنه کل مرز (بفتح کاف) ۴- دریا سر ۵- روپشت ۶- چهار افرا ۷- ویشکلا ۸- الهه (بفتح الف و لام).

۷- بناها و آثار تاریخی دابو

مختصری از جغرافیای دابو

ناحیه دابو در شمال شرقی آمل است . حد غربی آن رودخانه هراز و ناحیه هرازی و حد جنوبی آن ناحیه دشت سر و حد شرقی آن سه ناحیه : ساسی کلام و لاله آباد و جلال ازرك از نواحی بابل است و حد شمالی آن دریاست .

صاحب تاریخ طبرستان می نویسد :

چون رستم بن قارن به پادشاهی بنشست ، رستم دابوی که قارن بن شهریار کور کرده بود ، اما روشنایی برجای بود و پوشیده نگاه می داشت و بر عهد علاءالدوله علی بود ، از آمل با لشکر بسیار با دابوی آمده و به قصر دونکا بنشست و ولایت خود با دست گرفت^۱

ممکن است که این اراضی به علت تملك رستم بن دابو ، در زمان او به این نام شهرت پیدا کرده است.

۷- بناها و آثار تاریخی دابو

قلعه ماهانه سر = ماهیه سری دز (= ماهنه سردز)

در ناحیه دابوی آمل

حسن بن اسفندیار درباره قلعه ماهانه سر چنین می نویسد:

پادشاهی بود که او را « ماهیه سر » گفتندی. سری کوچک داشت و هیچ موی بر سر او نبود. تابستان و زمستان ابداً دستار بر سر پیچیده داشت چنانکه هیچ آفریده سرتوانست دید که چگونه است. جهودی بود نام او « شمعون بن خداداد » و بعضی می گویند که مجوس بود نام او « بابی بن فرخ آدین » مادری داشت روزبنت خورشید نام، محتاله ساحره ای که در زمانه مثل او نبود. موضع ایشان به چهار فرسنگی آمل به کنار دریای پسته است که این ساعت (۶۰۶ قمری) او را « اسی ویشه » می گویند و قصر و سرای او به دیهی بود که اکنون نیز معمور است « ویلبر » می خوانند میان دیه کیلنگور و شیر اباد پشته ای عظیم بلند و تند است که اکنون « ماهیه سری دز » می خوانند و در حوالی او خندق ژرف و در او آب مطحلب بسیار که هر چه در او افکنی به زمین نرسد، و الا به زورق نشاید گذشت. اگر وحشی در آنجا افتد، هر چه حرکت پیش کند، بزمین بیشتر فرو شود، و از آن جانب که مهب شمال است، عرصه ای دارد که نرگس مفتوح فایق روید که در جهان به بوی آن نرگس نیست و به دیه ویلبر انجیر خسر هانی بودی بهتر از حلوانی. و ماهیه سر که پادشاه بود ظالمی جباری طاغی عاتی مستبدی که اهل ولایت از او ستوه شده بودند و مالهای بسیار جمع کرد و در زیر بناهای آن موضع دفن کرد و در عهد عبدالله بن محمود بن نوح، ابوالعباس که والی طبرستان بود، پیری صد ساله از آن ناحیه پیش او آمد و نشانها

۲- ظاهرأ : ماه سر. زیرا ماهن همان ماهین است که با یاء مجهول تلفظ می شود و به معنی همچون ماه است و چون سر این مرد ابداً موی نداشته به ماه تشبیه کرده اند.

داد. ابوالعباس جمله قیاسیان را با امنای خویش به ویلبر فرستاد تا آن گنجها بردارند و بسیار کوشیدند و مالها صرف کرده و روزگار دراز بیدان مشغول بود، هر وقت به موضعی رسیدندی که علامات آن ظاهر شدی، از جوانب درهم افتادی و مردم را هلاک کردی. هیچ علم و حیلت سودمند نیامد تا عاقبت ابوالعباس ترك فرمود. و آورده اند که بعضی از اکاسره معتمدی پیش ماهیه سر فرستاد که به خدمت ما آید و اگر نه با تو خطابهارود. رسول را بدان جایگاه فرود آوردند و فرمودند تا در تعهد مبالغت نمایند. و طلسمی ساخته بود که روز هیچ بزغ و بنات الماء و وحوش و طیور آواز ندادندی. چون شب درآمدی چندان آوازه های مختلف در دادند که صورت افتادی آسمان و زمین آن موضع در جنبش آمدند.

چون رسول کسری آن شب هول رستاخیز بشنید، چون بیهوشان سر اسیمه پرسید که این حالت چیست؟ گفتند نگهبان ملک اند به شب. گفت به روز کجا باشند؟ گفتند به روز آسایش می کنند.

چون رسول کسری باز شد، این حال عرض داشت. او را گفتند تو این حالت به خواب دیدی و خیال بستی که به بیداری یافتی. و به تاریخ برامکه چنان است که این ماهیه سر صاحب انگشتری برمک عبدالملک بن مروان بود و در آن کتاب اول این حکایت نوشتند و نزدیک من دروغ است. سبب آن را که ماهیه سر پیش از عهد مبارک صاحب شریعت بود و عبدالملک از خلفای بنو امیه است. و بسیار حکایت یزدادی از ماهیه سر و پادشاهی او در کتاب خویش آورده است که همه خرافات و افسانه عجایب است. به سبب آنکه نامعقول بود، ترجمه آن نرفت.^۲

میرظهرالدین کم و بیش مطالب تاریخ طبرستان حسن بن اسفندیار را در کتاب خود آورده است.^۴

فاضل سمرقندی در ضمن وقایح یورش پنجساله امیر تیمور در مطلع السعدین

۳- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۸۴ و ۸۵، ۴- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۰۲.

فتح قلعه ماهانه را بدین ترتیب شرح داده است.

امیر تیمور از آستارآباد نهضت فرموده بعد از چند کوچ جنگلی عظیم پیش آمد. آن حضرت فرمود پیادگان سرراه بگشایند. آنها عرض يك تیر پرتاب را در میان جهت قبول و طرفین را برای برانغار و جو انغار گشودند و حکم شد سید غیاث‌الدین پیش پدر خود سید کمال‌الدین رود و او را نصیحت کند که لشکر در آمل تغار دهند. لشکر در آن حدود غله فراوان و چهارپایان فربه یافتند و به جانب ماهانه سرشتافتند و درختها از بیخ کنده و چوب و خاشاک بر لایها انداخته و نمدپلاس بر آنها افکنده چنان راه می ساختند که سوار می گذشت و بعضی جاها از روز تا شب به سعی بسیار نیم فرسنگ راه طی می شد و در فرود آمدن نیز زحمت بود در بیست و هفتم ذی قعدة قراولان طرفین جنگ سخت کردند و امیر شیخعلی بهادر زرمهای دلیرانه نمود. عاقبت سید کمال‌الدین و عماد‌الدین از قلعه ماهانه سر بیرون آمده، امان طلبیدند. امیر تیمور فرمود ملتمس را مبدول می دارم اما چون مهتران این ولایت یاغیگری کرده اند باید فرزندان خود را با مالیات چند ساله پیش ما فرستند تا پدران را امان دهیم. اهل قلعه این سخن شنیده فوراً نقاره جلال زدند.

و ماهانه سر قلعه ایست در چهار فرسنگی آمل به جانب دریا و نزدیک آن بر بلندی حصنی حصین ساخته اند که يك طرف به دریا پیوسته جانی که مغالک است از موج دریا پر آب شده، حکم دریا داشت نزدیک به میلی چنانکه از جمیع جوانب آب دریا قلعه را احاطه کرده بود و گرد قلعه درختهای بلند نزدیک به یکدیگر سر به هم فرو برده بودند و از شاخها که بر هم بافته بودند، درختها را به هم بسته و استوار ساخته حصار دیگر بر افراخته.

امیر تیمور قشونها ترتیب داد. مردان جلد باتوق و علم و نقاره در کشتیها که پیر پادشاه و ارغونشاه و شیخ علی قراکولی گرفته و با غله که در آن بود آورده نشانده. روی دریا از برق شمشیر و سایر اسلحه چون

آفتاب می درخشید و نفیر و غریو کوس پرده گوش می درید و افواج لشکر چون امواج بحر اخضر اطراف و جوانب حصار را برآ بحرأ فرو گرفتند و آن روز جنگی شد که زبان از شرح آن قاصر است. حصار بیرون مسخر شد و خصمان به قلعه گریختند. امیر تیمور در غرة ذیحجه فتح قلعه را جازم گشت. لشکریان جنگهای سخت کردند و بعد از هشت روز محصورین عاجز شده، اهالی حصار روبه درگاه فلك اقتدار نهادند. نخست سید کمال‌الدین و سید رضی‌الدین و فرزندان بیرون آمده. در اول ملاقات بواسطه عقاید بد که بدیشان نسبت می دادند، امیر تیمور سخنهای درشت به آنها گفت و بعد به حسن اکرام و بذل انعام همه را نواخته، فرمود می باید معتقدات پدر را ترك کرده، بر طریقه سنت و جماعت زندگی کنید... چون حکام ساری و آمل هر چه داشتند از ذخایر و نفایس و متمولان آن دیار و تجار که از اطراف بلاد و امصار رسیده بودند، به استظهار مناعت حصار به قلعه در آورده بودند لاجرم غنایمی که به دیوان اعلی رسید، هفتصد شتر بار نقره بود غیر طلا و آلات زر و نقره و رخوت از کتان و سقر لاط و غیرها و بعد از آنکه قلعه را به جاروب غارت پاک روفته و اطراف آن را کوفته بودند توده خاك ساختند و در تاریخ فتح قلعه ماهانه سر این رباعی ثبت افتاد:

ای آنکه تراست مکرمت خوی و خصال

و ز قلعه ماهانه سرت هست سؤال

هشت از مه ذیحجه برو تادانی

تاریخ مه و سال گرفته به کمال^۵

راینو عبارتی چند از تاریخ طبرستان ابن اسفندیار را در سفرنامه خود آورده

و مطلب تازه ای به آن نیفزوده است،^۶

۵- مطالب از مطلع السعدین است به نقل از التودین ص ۱۱۰ و ۱۱۱. ۶- ترجمه سفرنامه مازندران و آستارآباد ص ۱۵۳ و ۱۵۴.

عمر کلاده

در حدود ونه بن دابو

ابن اسفندیار می نویسد که در زمان مهدی خلیفه پس از سعید بن دعلج، عمر بن العلاء نوبت دوم به مازندران فرستادند. دیه عمر کلاده را که به حد ونه بن نهاده او بنیاد افکند.^۷

سید ظهیر الدین در این باره می نویسد: «قریه عمر کلاده در ولایت دابوی آمل ساخته عمر بن العلاءست و آنجا قصری و بازاری ساخت»^۸.

قصر دونکا

در دابوی آمل

هنگامی که اسپهبد علاءالدوله علی در خدمت سلطان سنجر بود، خیر مرگ پدرش - شهریار - بدورسید. سلطان سنجر او را دلدهی داد و از عزا بیرون آورد. خیر مرگ برادرش را آوردند و بدو رساندند که برادرزاده‌ات به پادشاهی بنیست. چون رستم - برادرزاده او - به پادشاهی بنیست، رستم دابوی که قارن بن شهریار او را کور کرده بود اما روشنائی بر جای بود و پوشیده می داشت به دابوی آمد و در قصر دونکا بنیست و ولایت خود به دست گرفت.^۹ در صفحه ۱۰۸ تاریخ طبرستان باز سخن از قصر دونکا است که در دابوی است.^{۱۰}

در این قصر است که فخرالدین گلپایگانی شیبی شراب خورد و بر اثر مستی خود رابه کشتن داد. داستان آن از این قرار است:

فخرالدین گلپایگانی هوای آن کرد که از خدمت اسپهبد فخرالدوله بگریزد و فتنه انگیزد. خدمتکاران او فخرالدوله را در سر این حال معلوم گردانیدند و فخرالدین اجازت می خواست که به گلپایگان خواهد شد. فخرالدوله را این سخن تحقیق پیوست تا شبی به قصر دونکا شراب خورد و نوبت بعد نوبت فخرالدوله را تشریف می داد. چون

۷- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۸۲. ۸- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۱۹۶ و تاریخ رویان ص ۴۵. ۹- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۴۲. ۱۰- همین کتاب ص ۱۰۸.

از مستی بی خبر شد و بیفتاد فخرالدوله فرمود که او را بر اسب نشانند و به رود بست از آن جانب رود باول وثاق معین بود. جماعتی رابه نیمه پل نشانده بود. چون به میانه پل رسید معتمدان شاه او را سرو پا گرفته و در جوی باول انداختند بامداد زیر دونکا به سیاه مجدهای به دام باز افتاده نهاده بود. از آنجا بیرون کشیدند و شاه را معلوم کرده که دوش مست بی خبر بوده است تکیه کرد و در باول افتاد بفرمود تا تعزیت داشتند.^{۱۱} در صفحه ۱۶۷ باز سخن از قصر دونکا به میان آمده است.^{۱۲}

گور فخرالدین گلپایگانی

در سیاه مجد دابوی

پس از اینکه اسپهبد فخرالدوله دستور داد تا فخرالدین گلپایگانی را از روی پل بابل به آب انداختند، بامداد روز بعد زیر قصر دونکا در محلی معروف به سیاه مجد جسد او در دام گشاده ماهی افتاده بود او را بیرون آوردند و در مسجد سیاه مجد به خاک سپردند و گور او تا حدود سال ۶۰۶ قمری بر جای بوده است.^{۱۳}

قصر شاه غازی رستم بن علی

در قراکلاده دابو

شاه غازی رستم مردی مدبر و عاقل و جنگجو بود جنگهای پیاپی او استندار کیکاوس و فخرالدوله گرشاسف را به ستوه آورده و علیه او قیام کردند. این داستان در تاریخ طبرستان چنین آمده است:

استندار کیکاوس با فخرالدوله گرشاسف به مصاف دهستان با یکدیگر بیعت کردند که من به رویان زمین در او عصیان کنم تا تو به گلپایگان عصیان کنی که ما از دست پیکار او ستوه افتاده ایم و طاقت برسید و یک روز

۱۱- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۴۹. و در کتاب التدوین ص ۶۱ و ۶۲ شرح کاملتری از این قصه تاریخی است و مطالب دیگری در باره قصر دونکا دارد. ۱۲- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۶۷. ۱۳- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۴۹.

مارا از پادشاهی و عیش و تبع ولایت خویش تمتع نیست و عاقبت در میان لشکر او یا کشته یا گرفتاریم و نشان میان ما این است که تو استرآباد به دست گیری تا من آمل . هر دو به مقام [خود] رسیدند . استندار کیکاوس به آمل آمد و به قراکلاده^{۱۴} قصر او بسوزانید و حشم آمل او را بیرون کردند و فخرالدوله به استرآباد آمد و غارت کرد و با گلپایگان شد...^{۱۵}

در صفحه ۱۵۵ تاریخ طبرستان باز نام قصر قراکلاده یاد شده است این قصر در اول به دست حسام الدوله اردشیر ساخته شده بود و مدتها مقر اسپهبدان طبرستان بوده است.^{۱۶} مولانا اولیاءالله در این باره چنین می نویسد:

حسام الدوله اردشیر بن کینخوار بن شهریار بن کینخوار بن رستم - بن دار بن شهریار مرکز حکومت را از ساری به آمل آورد و این خانه که در قراکلاده الی یومنا هذا (۷۶۴) مقرر ملوک بود و ایوان و بارگاه بربلجوی هر هز ساخته ملک اردشیر عمارت کرد.

وقتی در آنجا تفرج می کردم در تصویر کتیبه و نقش دیوار به خط طومار قصیده ای مطول از گفته سراج الدین قهری نبشته بود ملامح، مطلعش این بود .

وصل العبد الی مقدم کسری الثانی

ملک العادل ذی العزة والبرهان

باسط الجود علی الکاشح والخلان

صادق الوعد فلا یخلف کالاخوان

اردشیر آن شه پر دل که گه بخشش و جنگ

نگذارد اثر از هستی دریا و نهنگ

۱۴- این قراکلاده ظاهراً با قراکلای امروز قابل تطبیق است. قراکلاده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۱۵ کیلومتری شمال خاوری آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).
۱۵- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۹۶ . ۱۶- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۶۵ .

آنکه بهرام فلک روی سوی گور نهد

چون وی از کیش بر آرد به گه جنگ خدنگ^{۱۷}

دخمه شرفی خواهر اسپهبد شاه غازی رستم معروف به خانقاه مادر اسپهبد اسفندیار در قراکلاده دابو

در مخالفتی که اسپهبد شاه غازی رستم با امیر شهریار - امیر شلاب^{۱۸} - کرد بزرگان طبرستان شفیع شدند و میانجیگری کردند شرح این قصه به قرار زیر است:

شاه غازی رستم، سید باعلی شجری و زین الدین را بدین مهم اختیار کرد و پیش امیر شهریار فرستاد. امیر شهریار به آمل فرستاد و قاضی القضاة تاج الاسلام ابو معمر و ناصر بزرگ و معارف و سادات را پیش اسپهبد فرستاد. گفتند اعتماد بر این است که دعا گویان گویند. دختر اسپهبد را به جهت شهریار بخواستند. اسپهبد با چمنو شد تا وعده بگذشت و سهراب - بن رستم را که عم زاده بود به کو توال فرستاد با خاصگان خویش و امیر شهریار با قلعه بردایشان را و او به زیر آمد و اسپهبد خواهر خود «شرفی» نام را بدو داد زنی بود که عفاف و ظلف و دیانت او در جهان مشهور است و آثار خیر او هنوز (حدود ۶۰۶) باقی و ولیکان ملک اوست به زر خریده و خلاف از این هشتاد پاره دبه بود به روستاق آمل و چهل پاره به دیگر نواحی و املاک حلالی که به عهد شاه غازی و حسن و اردشیر به تصرف ایشان بود و آسیا در شهر آمل هفت پاره و دکانها و گرما بهها که به عهد ما بود و جدا گانه عمل و مستوفی و مشرف و شحنه و جمله پولها و رباطها و سنگ بست که شاه غازی و دیگر ملوک کردند از محصول ملک حلالی این زن بود او را دو دختر بماند از این شهریار و یک پسر. اسپهبد علاءالدوله حسن، پسر را بکشت و شام اردشیر دختر را یکی به اسپهبد ابو جعفر اترب داد و یکی به پسر پادشاه هزبرالدین خورشید - گرشاسب نام - و بعد پدر شاه غازی از او دوستر هیچ خواهر نداشت و چون به آمل بود هر روز پیش او آمدی و با او بنشستی و

۱۷- تاریخ رویان ص ۱۰۸ و ص ۱۲۵ . ۱۸- چلاب امروزی.

مشورت کردی . او از شاه غازی مهتر بود به سال ودخمة اوبه قراکلاته هنوز (حدود سال ۶۰۶ قمری) باقی است معروف به خانقاه مادر اسپهبد اسفندیار.^{۱۹}

قلا

میان هکردکل ۲۰ و وولیک رود ۲۱ دابو

اراضی بالای کوتی در حدود شش هزار متر است . پاره آجرهایی به قطر ۳/۵ سانتیمتر و آجرهای کلفت تری به قطر ۶/۵ سانتیمتر بر بالای کوتی زیاد بود . سفال شکسته های بام که روزی بام بنا های قلعه را می پوشانده فراوان در این اراضی دیده می شد . مردم فری کنار سابقاً برای تهیه آجر به این قلعه می آمدند . آجر فراوانی از اینجا برده اند و در جاهای آب فری کنار کار کرده اند . راه رسیدن به این قلعه از طرف جاده محمود آباد به بابلسر بسیار مشکل و گل ولای آن به قدری بود که تا زانو در گل می نشست . یکی دوجا برای عبور از نهرهای پهن و فرعی هر از آنرا استفاده کردیم . احتمال می رود که این خرابه های قلعه ماهانه سر باشد که به علت عقب نشینی دریا، از حاشیه دریا دور افتاده باشد والله اعلم .

قلا کوتی

در شاه کوتی ۲۲ دابو

کلمه کوتی که با نام این دهکده ترکیب شده است یادآور خا کرزهای دستنی قدیمی است . احتمال دارد که دهکده کنونی بر محل قلعه ای قدیمی ساخته شده باشد .

تپه ای قدیمی

در محل شهرکتی ۱۲ از دهکده های دابو

نام این دهکده یادآور تپه های دستی این دشت است . ظاهراً این دهکده بر روی تپه ای قدیمی ساخته شده است .

قلعه کوتی

دهکده ای از دهکده های دابو

نام قلعه کوتی که ده کوچکی از دهکده های دابو است یادآور تپه های دستی دشت دابو است که قلعه های قدیمی بر آنها ساخته می شده است .

قلا کوتی = کافرکتی

در جزین ۱۴ از دهکده های دابو

راه جزین از آهنگر کلا یا از پیش محله است . دهکده جزین را گاهی جزء ناحیه جلال ازرك بابل به حساب می آورند . تپه ای قدیمی در اراضی این دهکده است که بالای آن در حدود يك هکتار زمین است . آثار آب انبار نیز دیده می شود .

تکیه و سقا نفار

در شیر محله ۲۵ دابو

بنای تکیه قدیمی را خراب کرده بودند و تکیه ای نوساز به جای آن ساخته بودند . از آثار قدیمی منبری در این تکیه بود که بر تکیه گاه آن این عبارات خوانده می شد:

۲۳- شهرکتی ده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل سیزده کیلومتری شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۲۴- جزین (بفتح جیم) ده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۲۲ کیلومتری شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳)
۲۵- شیر محله ده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل پانزده کیلومتر و نیم شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) شیر محله جزء شش آبادی «ده فری» است: ۱- نوائی محله. ۲- کوچک بیشه محله. ۳- بزرگ بیشه محله. ۴- شیر محله. ۵- پنه کنار. ۶- ده فری.

۱۹- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۷۶ و ۷۷ . ۲۰- بکسر هاء و کاف و دال و کاف دو م .
۲۱- ولیک ده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۸ کیلومتری شمال شرقی آمل .
(فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) ۲۲- شاهکتی ده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل یازده کیلومتری شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) .

هو الواقف علی الضمایر وقف لذریه حضرت خامس آل عبا نمود
کربلائی محمد آقا خلف مرحوم کربلائی الله قلی بتاریخ محرم ۱۲۳۴.

سقانفار تکیه شیرمحل

سقانفارها معمولا دو طبقه اند. طبقه زیرین آنها گاهی بنا و ساختمان و زمانی پایه‌های قطور چوبین است که طبقه دوم بر آنها استوار است. از پلکانی از طبقه پائین به طبقه بالا می‌روند. پلکانها معمولا چوبی هستند. در محلی که پلکان وارد طبقه دوم می‌شود محفظه‌ای است جداگانه که در این سقانفار ۱۲۰×۳۰۰ سانتیمتر بود. وسط سقانفار محفظه‌ایست جداگانه مستطیل شکل که در این سقانفار به ابعاد ۳۰۵×۴۲۷ سانتیمتر بود دور این محفظه میانین غیر از محلی که پلکان وارد طبقه بالا می‌شود راهروئی به پهنای یک متر است. در این سقانفار چهار ستون در هر یک از اضلاع شمالی و جنوبی و سه ستون در هر طرف شرقی و غربی است. سقف آن دو چکش-گردان داشت که تیرهای خوش تراش نیم دایره‌ای بر آنها تکیه داشت.

تکیه و سقانفار

کاردگر محله = کاردی محله ۲۶ = از دهکده‌های دابو

از تکیه قدیمی اثری برجای نبود. سقانفار ظریف و قدیمی و پر کار آن در جلوی تکیه بود. بر طبقه دوم سقانفار نقاشیهای بسیار ظریف دیده می‌شد. منبری سیاه‌پوش در طبقه دوم بود و در و دیوار آنرا از داخل سیاه پوشانده بودند دوسه نفری در طبقه بالا نشسته بودند تا گره از کار فرو بسته ایشان گشوده گردد.

بقعه‌ای

در بامر کلاهی دابو

در این بقعه آثار تاریخی قابل ذکری نبود. بنای بقعه میان جنگلی از درختان کیش و او جاو گردواست. گرداگرد تنه یکی از درختان او جاو به ۳۱۷ سانتیمتر می‌رسید.

۲۶- کاردگر محله ده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۱۸ کیلومتری شمال شرقی آمل ۶ کیلومتری جنوب فری کنار (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

پلم کوتی ۲۷ - پلم کوتی ۲۸
دهکده‌ای از دهکده‌های دابو

در جاده جدید آمل به بابل در محلی به نام دریا باری جاده پلم کوتی جدا می‌شود و به این دهکده می‌رود. اراضی دهکده در تملک غلامعلی خان ناصری است این تپه امروز به نام «قل تپه» شهرت دارد.

بقعه امامزاده مطهر

در دهکده مطهر دابو

از جاده جدید آمل به بابل به «الشا» و از آنجا به مطهر می‌روند. بنای قدیمی را خراب کرده بودند و بنائی نو ساز هشت ضلعی دوبندو برابر به جای آن ساخته بودند. در و صندوق آن هم تازه بود (عکس شماره ۹۶).

بقعه امامزاده قاسم

در اراضی پهبین ۲۹ از دهکده کمانگر کلاهی ۲۰ دابو

در بررسی تیرماه ۱۳۵۶ شمسی در این امامزاده آثار تاریخی دیده نشد. در مقابل بنای بقعه، زبان گنجشکی بود که گرداگرد تنه آن به ۳۲۲ سانتیمتر می‌رسید.

بقعه سید نورالدین

در اراضی پمبه جار مرزنگوی ۳۱ دابو

بنائی است مستطیل شکل. در ورودی مسجد و حفاظ جلو آن چوبین و مشبك

۲۷- سفرنامه مازندران و آستارباد را بینو ترجمه ص ۱۵۳. ۲۸- پلم کوتی ده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۱۳ کیلومتری شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۲۹- بفتح پ. ۳۰- کمانگر کلاهی ده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۲۶ کیلومتری شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۳۱- بفتح میم و زاء: مرزنگوده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۱۵ کیلومتری شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

است. در ورودی حرم نسبة قدیمی است. پهنای آن ۴۲ و بلندی آن ۱۵۵ سانتیمتر است (عکس شماره ۹۷) صندوقی مشبك در وسط بنا است.

سقف بنا دوچکش گردان دارد و تیرهایی که تراش نیم دایره‌ای دارند بر این چکش گردانها استوارند. بالای تیرها تخته کوبی است.

لبه بنا سه چکش گردان و یک پشته دارد. بام حلب پوش است. سقائفاری ساده جلو بنا است.

چنانکه معروف است صومعه میر بزرگ در دهکده مرزنگو بوده است.

کوتی

در قیاس کلای دابو

بالای این کوتی به هزار متر مربع می‌رسد. آثار بنا در آن دیده نشد.

قلا

در دهکده جاله کلای دابو

اراضی بالای این خاک ریز بیش از هزار متر است.

باقی بناها و آثار تاریخی دابو

۱- گورستانی قدیمی در افراسرا نزدیک پل سرخ رود در جاده محمود آباد به بابلسر.

۲- گبر کوتی در شیر محله دابو.

۳- قلعه‌ای کوتی مانند نزدیک گالش پل در راه آمل به محمود آباد.

۴- قلا در مریج محله که از راه درویش خیل می‌روند.

۵- تکیه‌ای قدیمی در دیوکلای پائین.

۶- بقعه‌ای به نام درویش در دنگه پیا. از راه حسین آباد کنار راه جدید آمل

به بابل به دنگه پیا می‌رود.

۷- امامزاده‌ای در اشکار کلا. از راه مرزنگو می‌توان به اشکار کلا رفت.

۸- امامزاده طاهر بن موسی الکاظم علیه السلام در بانصر کلای دابو به تولیت ملا محمد علی و مولانا عبادی (طومار دوران صفویه).

۹- امامزاده قاسم بن امام موسی الکاظم واقع در دابوی بزرگ به تولیت درویش اسکندر دابوئی (طومار دوران صفویه).

بخش دوم
بناها و آثار تاریخی بابل و اطراف آن

www.KetabFarsi.com

مختصری از جغرافیای تاریخی شهر بابل

مامطیران = مامطیر = بارفروشه = بارفروش = بابل

ابن الاثیر (۶۵۰-۶۳۰) درباره ضبط مامطیر می‌نویسد «بفتح المیمین بینها الف ساکنه وبعدها طاء مهمله مکسوره و یاء ساکنه من تحتها وفي اخرها راء»^۱
چون اللباب ابن الاثیر تهذیبی از الانساب سمعانی است، بنابراین باید سمعانی (متوفی ۵۶۲) را نخستین کسی دانست که به ضبط مامطیر تصریح کرده است.^۲
ابن الاثیر می‌نویسد که مامطیر شهرکی در ناحیه آمل طبرستان است که از آن گروهی از اهل علم برخاسته‌اند.

ویاقوت درالمشترک درباره رودخانه باول (بابل) که نام فعلی این شهر از آن گرفته شده است از قول سمعانی می‌نویسد:

بیکنده قریة بطبرستان علی طرف باول و هونهر کبیر ذکرهما معاً

سمعانی.^۳

ابوالفدا (متوفی ۷۴۲) در کتاب تقویم البلدان که در سال فوت خود به پایان رسانده است در بیان فواصل شهرهای مازندران می‌نویسد:

از مامطیر به ساریه که هر دو از خاک طبرستانند شش فرسنگ است
و از مامطیر تا شهر آمل که بزرگترین شهر طبرستان است شش فرسنگ است

۱- اللباب فی تهذیب الانساب چاپ قاهره جزء ثالث ص ۸۹. ۲- شهر بابل ص ۱۱۵.
۳- المشترک وضعاً والمفترق صفحاً ص ۷۸.

و از آمل تا الهم که بر ساحل دریاست چهار فرسنگ و از الهم تا چالوس که بر ساحل دریاست^۴ پنج فرسنگ و این آخر حد طبرستان از طرف غرب است. و آخر حد شرقی آن همیشه است و مجموعاً چهل فرسنگ طول تمام طبرستان است.^۵

ظاهراً در زمان سیدظهیرالدین است که نام مامطیر به بارفروش ده تغییر پیدا کرده است. او در این باره می نویسد:

از مامطیر آن که اکنون (سنه ۸۸۲) به بارفروش ده مشهور است گذشتند و به کنار بول رود لشکرگاه کردند. از ساری به طرف آمل مسیر چنین است.^۶ گفته اند که ماده تاریخ بنای این شهر کلمات «کلاج مشهد» است که به حساب جمل سال ۵۴۰۳ ق. خواهد شد.^۷ اما این گفتار صحیح به نظر نمی رسد. زیرا این شهر از شهرهای قدیمی طبرستان است.

بارفروش از نظر ایت در سال ۱۲۶۰ ه. ق.

بارفروش مرکز مازندران است با اینکه ساری محل اقامت حاکم است پس از خواندن شرحی که فریزر درباره این شهر نوشته است، اگر مسافری این شهر را به آبادی زمان فریزر نبیند تعجبی نخواهد داشت. فریزر این شهر را در سال ۱۲۳۷ قمری = ۱۸۲۲ میلادی دیده است. مرض طاعون اخیر و دور افتادن این شهر از مسیر تجاری باید تغییراتی در آن داده باشد. اما این شهر هیچگاه بزرگتر از این نبوده است زیرا اطراف آن خرابه هائی نیست تا وسعت قدیم آن را نشان دهد. جمعیت کنونی از شش هزار خانواده بیشتر نیست و شهر به سی و دو محله تقسیم می شود. تمام شهر پوشیده از درخت است و کمتر منطقه ای از آن در یک نظر دیده می شود. شهر در زمینی صاف و هموار است و خیابانها و کوچه های

۴- چالوس ظاهراً هیچگاه بر ساحل دریا نبوده است. ۵- تقویم البلدان ص ۴۳۷. ۶- تاریخ طبرستان و رویان ص ۲۶۰. ۷- نسخه عکسی ترجمه ملگنوف ص ۷۹ ب.

نامنظمی دارد که در زمستان پر از گل و لای است و اسب تا زانو در گل می رود. بازار اینجا خیابانی صاف و مستقیم است، نه فراوانی نعمت دارد و نه زیباست. چهارصد تا پانصد دکان دارد که هفتاد دکان آن اجناس اروپائی و محلی می فروشند. تعداد تجار شهر بالغ بر صد نفرند. تجار اینجا نسبت به تاجران سایر شهرها کم مایه ترند. چهل یا پنجاه تن ایشان اهمیتی دارند. بیست و پنج تن ایشان با تجار هشتارخان ارتباط دارند. شهر دارای دوازده کاروانسرا است که چهار باب آن در بازار است و تجار در آنها مشغول تجارت اند. کاروانسراهای دیگر بارانداز کاروانیان است. گمرک خانه و راهدارخانه ندارد. شهر بارفروش زیاد قدمتی ندارد. سابقاً دهکده ای بیش نبود و اخیراً محل تجارت شده است. ساکنان اینجا مثل مردم آمل به بیلاق نمی روند. در این شهر شصت تا هفتاد خانوار یهودی است. خانه های بارفروش را از آجر ساخته اند و معمولاً باغ مرکباتی متصل به خانه هاست.^۸

رضاقلی میرزا درباره بارفروش (بابل) می نویسد:

بارفروش در قدیم دیهی بوده و بارهائی که با کشتی از حاجی - ترخان به بندر مشهد سر می آورند، به آن دیه حمل و می فروخته اند. لهذا این قریه موسوم به بارفروش ده شد. بتدریج جماعتی از تجار در آن ساکن شدند و آباد شد. در عهد محمدبن خالد بازار و عمارت یافت. در سال ۱۶۰ مازیار بن قارن مسجد جامع بنیاد کرد. مشتمل است بر مساجد و عمارات و مدارس و دکاکین و سراها و بیوتات. جمعیت آن زیاد و از ساری به دریا نزدیکتر است. این بنده مدت هفت سال در ایسام طفولیت در این شهر می زیسته ام^۹

۸ - Abbott, K. E.: Narrative of a Journey from Tabriz along the Shores of the Caspian sea to Tehran. PP. 39 & 37.

۹- مسافرت رضاقلی میرزا به خوارزم به نقل از مرآت البلدان ج ۳ ص ۴۲.

ناصرالدین شاه در سفر دوم خود به مازندران در سال ۱۲۹۲ ه. ق. درباره شهر بارفروش چنین نوشته است:

شهر بارفروش از بلاد معظمه مازندران و پر جمعیت و مرکز تجارت شده است و کاروانسرا و دکاکین معتبره دارد. در حوالی شهر دریاچه مانندی از آب رودخانه تشکیل یافته است. وسط این دریاچه جزیره ایست که بواسطه جسر ممتدی که پایه های آن از آجر و روی آن تخته است جزیره را وصل به ساحل سمت بارفروش می کند. در این جزیره درازمنه سابقه و عهد سلاطین صفویه علی الخصوص شاه عباس، بناهای خوب نموده بودند اما مروردهور ویران و باز بدین سان کرده بود. سفر اول که اینجا آمدم، حکم به تعمیر بحر الارم نمودم حال (سال ۱۲۹۲) تمام شده است. عماراتی است مشتمل بر دیوانخانه عالی و حرمخانه و حمام و باغ وسیع و بیوتات متفرقه. در اینجا منزل شد. در این دریاچه بحر الارم انواع و اقسام طیور آبی موجود است. سطح دریاچه پوشیده از گل نیلوفر آبی است که بر گهای بسیار بزرگ و گل سفید معطری دارد.^{۱۰}

سپس به مطالب بالا می افزاید:

شهر بارفروش چنانکه ذکر شد بسیار آباد است. تمام کوچها سنگ فروش و تمیز و خوب است.^{۱۱}

در زمان ملگنوف شهر بارفروش (بابل) دارای بیست مدرسه بوده است و محلات و گذرگاههای شهر را چنین نام برده است:

سبز میدان، محله خیابان حرم، رودگر محله، سید جلال، چهارشنبه پیش، قصاب کلا، بی سرتکیه، اوجاق بند (= اوجابن)، دار شهدا، مراد بیک، زرگر محله، هفت تن، اغارود، آهنگر کلا،

۱۰- سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۲.

۱۱- سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۳.

نقیب کلا، پنج شنبه بازار، ازداربند، شاه زنگی، گلشان^{۱۲}، طوقداربند (= توغ داربن)، پیاکلا، درویش خیل، دباغ خانه پیش، کوره سر، سرحمام آقاحسن، سید ذوالعبدین، حصیرفروشان، قراکلا^{۱۳}، زینمکی، چوب باغ، باغ باد محله، میان کاتی، بیدآباد، میان دسه^{۱۴}، قبرستان محمد، شمشیرگر محله، شاه کلا، هستکلا^{۱۵}، کلاج مشهد، یهودمحله، بیج ناجی، رزیاکلا، آستانه، شراباف محله، باب ناظر، محله میرزا- کوچک، قاضی کتی، درزی کتی، تکیه ارباب، ابومحله^{۱۶}.

رابینو شرحی از محلهها و گذرها و سایر بناهای شهر بارفروش (بابل) به این ترتیب نوشته است:

شهر بارفروش سی و پنج محله دارد: ۱- سرحمام- ۲- بیج ناجی- ۳- قصاب کلا- ۴- قراکلا^{۱۷}- ۵- رزیاکلا- ۶- چهارشنبه پیش- ۷- رودگر- محله- ۸- آهنگر کلا- ۹- اوجاق بند- ۱۰- آستانه- ۱۱- نقیب کلا- ۱۲- حصیر- فروشان- ۱۳- سرحمام کاظم بیک- ۱۴- شراباف محله- ۱۵- باب ناظر- ۱۶- مراد بیک- ۱۷- محله میرزا کوچک- ۱۸- شاه کلا- ۱۹- مسجد جامع شنجریه- ۲۰- قاضی کتی^{۱۸}- ۲۱- یهود محله- ۲۲- بیدآباد- ۲۳- سید جلال- ۲۴- طوقداربند- ۲۵- ورز کتی^{۱۹}- ۲۶- سبز میدان- ۲۷- شهدا- ۲۸- تکیه ارباب- ۲۹- پیاکلا- ۳۰- درویش خیل- ۳۱- دباغ خانه پیش- ۳۲- هسکا کلا^{۲۰}- ۳۳- بی سرتکیه- ۳۴- سرحمام نسائی- ۳۵- ابومحله- ۳۶- شمشیرگر محله اینها محلات و گذرهای بارفروش است.^{۲۱}

۱۲- بضم گاف . ۱۳- بضم قاف . ۱۴- بفتح دال و تشدید سین.

۱۵- بفتح هاء و سکون سین و کسر تاء . ۱۶- ملگنوف متن روسی صفحات ۱۳۲ تا ۱۶۲ . در نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۱ ب یادى از قاضی کتی و درزی کتی شده است.

۱۷- بضم قاف . ۱۸- بضم کاف . ۱۹- بفتح واو وراء و ضم کاف .

۲۰- بفتح هاء و کسر و تشدید سین . ۲۱- سفرنامه مازندران و استرآباد ص ۱۱۷.

امامزاده شش آستانه، تکایا چهل و هشت باب، مسجد دوازده باب،
مدرسه شش باب، حمام چهارده باب، کاروانسرا یازده باب، دکاکین
چهارصد و شش باب.^{۲۲}

محلات کنونی بارفروش = بابل

بی سرتکیه، مسجد جامع، گلشن، شاه کلا، افراداربن، کلیمیه، طوقسداربن،
سرحمام، پنجشنبه بازار، باقر ناظر، پیر علم، بیدآباد، کاسه گرمحله، چاله زمین، سر-
حمام آقا حسن، آهنگر کلا، رضی کلا، چهارشنبه پیش، سنگ پل، همت آباد، درویش-
تاج الدین، مؤمن آباد، سید جلال، ابو محله، شمشیر محله، مراد بیگ.
در سال ۱۳۰۶ شمسی به امر رضاخان شهر بارفروش به نام بابل خوانده شد.
این نام ظاهراً از بابل رود گرفته شده که از کنار این شهر می گذرد.
در تابستان ۱۳۰۹ دست به نوسازی این شهر زدند و خیابانهای تنگ آن را
خراب کردند و خیابانی چون خیابان شاهپور و نظایر آن ساختند. (عکسهای شماره های
۹۸ و ۹۹) دو منظره از این نوسازیها را نشان می دهد.

نهرهای بارفروش

و شبکه آبیاری آن

- ۱- نهر کبیر کاری که در کره سنگ از رودخانه هراز منشعب می شود، دوسوم
زراعت بابل را آبیاری می کند.
- ۲- از نهر متالون که از رودخانه تالار جدا می شود مقداری استفاده می شود.
- ۳- کلارود که از ارتفاعات میان بند سرچشمه می گیرد مقداری از کشتزارها را
آب می دهد.
- ۴- بابل رود و سجارود (سجادرود) نیز مزارع زیادی را آبیاری می کنند.
(شهر بابل ص ۷۶)

۲۲- سفرنامه مازندران و استرباد ص ۱۱۸.

اراضی زارعی بابل دارای دو آب بخشان است. یکی از آنها در قرآن نثار
است که از جاده مشهد گنج افروز به بیمارستان دانشگاه و مرزی کلا و قرآن نثار
می توان رفت. دیگری در شرق بابل در دهکده تروت (بکسر تاء) است.

۱- بناها و آثار تاریخی شهر بابل (بارفروش)

بازار قدیمی مامطیر (بارفروش)

محمد بن خالد که والی ولایت بود، بازار فرو نهاد و بیشتر عمارت فرمود.
در سنه ۱۶۰ مازیار بن قارن مسجد جامع بنیاد نهاد و شهر گردانید.^{۲۳}

پشته ازرَق دُون

در بارفروش ده (بابل)

سید ظهیرالدین می نویسد که پشته ایست در بارفروش ده، به نام ازرَق دُون که محل عمارت و خانه خاندان جلال ازرَق است.^{۲۴}
ظاهراً پس از اینکه مرعشیان خاندان جلالیان را برانداختند خود در همین عمارت سکنی گزیده اند. زیرا در جاهای دیگر سید ظهیرالدین می نویسد:
پشته ایست که آن را ازرَق دُون گویند آن محل عمارت و خانه سید کمال الدین است.^{۲۵}

۲۳- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۷۳ . ۲۴- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران چاپ
درن ص ۳۷۷ . ۲۵- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۷۰ .

مشهد مبارك امام دادرس

در بارفروش ده

سید ظهیرالدین در فصلی که درباره حبس سید اسدالله و دادن حکومت آمل را به فرزندان سید حسن می نویسد که سید هیبت الله در ربیع الاول سال ۸۷۹ به مشهد امام دادرس آمد و از سید اسدالله خواست که برای مشورت در امری واجب بدانجا بیاید و این زیارتگاه گرداگرد آن آب می باشد، هر که اراده آستان بوسی دارد به کشتی نشسته می باید رفت. سید اسدالله و فرزندان نش-سید حسین و سید علاء الدین رکابی- به کشتی نشسته به حرمسرای مبارك رفتند.^{۲۶}

میدان بارفروش ده

میدان بار فروش (بابل) از میدانهای قدیمی صفحات مازندران است زیرا در تاریخ خاندان مرعشی دوسه بار از آن یاد شده است.^{۲۷}

عمارت میرسلطان مراد خان با مسجد و حمام

در بارفروش ده (بابل)

میرسلطان مراد خان در بارفروش ده عمارتی داشت و مسجد و حمامی ساخته بود که وقف مشهد مقدس بود. در قیام غریب شاه و تسلط مردم مازندران بر رستمدریها، ملك سلطان محمد رستمدری که از فتح مردم مازندران خبر شد به آمل آمد و کوتوال تازه برای قلعه تعیین کرد. از آنجا به بار فروش ده رفت و عمارت و مسجد و حمام میرسلطان مرادخان را خراب کرد و به جای آن قلعه ای بساخت و مدت دو ماه به اتمام رسانید.^{۲۸}

۲۶- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۷۷ و ۳۷۸. ۲۷- تاریخ خاندان مرعشی

مازندران صفحات ۱۳۰ و ۲۹۴ و ۳۲۳. ۲۸- تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۳۱۵.

چلدر

در میدان بارفروش ده (بابل)

چلدر (= چهل در) دارالاماره میرعبدالله خان در میدان بارفروش ده بوده است.^{۲۹}

کشك سرا

در کنار باول رود برپشته ای مرتفع

کشك سرا عمارت میرقوام الدین بن میرعبدالکریم در کنار باول رود است. در کنار این رود محلی مرتفع است. بر بالای آن میرقوام الدین عمارتی ساخت و در آن به عبادت پرداخت.^{۳۰}

گذرگاه زیار

در باولرود نزدیک بارفروش ده (بابل)

گذرگاهی قدیمی و گداری بوده است که از رودخانه بابل در آنجا می توانستند عبور کنند.^{۳۱}

باغ زاغان

این باغ ظاهراً در بارفروش ده و در کنار باول رود بوده است.^{۳۲}

آستانه کلاچ مشهد

نخستین بار نام این آستانه در تاریخ خاندان مرعشی آمده است. مؤلف می نویسد: «نعش میرسلطان مرادخان را در آستانه کلاچ مشهد به امانت گذاشته، بعد از چهل یوم که از مراسم تعزیه فارغ شدند، به مردم امین داده، به کربلای معلی فرستادند.»^{۳۳} دمرگان طرحی از این آستانه را کشیده و آنرا «کلاخ مسجد» خوانده است.

۲۹- تاریخ خاندان مرعشی مازندران صفحات ۱۳۰ و ۱۳۱. ۳۰- تاریخ خاندان

مرعشی مازندران صفحات ۷، ۱۳، ۲۱، ۲۶، ۲۹، ۳۱، ۳۵، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۸۰، ۸۱،

۲۹۴، ۹۹. ۳۱- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۵۸. ۳۲- تاریخ

خاندان مرعشی مازندران نسخه عکسی ص ۱۲ الف. ۳۳- تاریخ خاندان مرعشی ص ۱۹۱.

مقبره درویش محمدرستم مشهور به لعل
در کنار بابل رود

در کنار بابل رود، جانب غربی رودبار^{۲۴} مقبره درویش محمدرستم قرار داشت و در سال ۱۰۴۷ که سال تألیف تاریخ خاندان مرعشی مازندران است برقرار بوده است. از این بقعه امروز نشانی نیست.

مقبره بهاء الدین الحسن بن المهدی الماطیری
در شهر بارفروش (بابل)

نویسنده و حکیم قرن ششم هجری از ائمه کبار این شهر است و از جمله مفاخر شمرده می شود. وی رساله الهنود فی اجابة ذوی العنود را به سال ۵۷۹ نوشته است،^{۳۵} مقبره او در ماطیر (بارفروش = بابل) بود و ابن اسفندیار آن را زیارت کرد.^{۳۶} از این مقبره امروز نشانی برجای نیست.

ضرابخانه بارفروش
در شهر بارفروش (بابل)

در شهر بارفروش ضرابخانه ایست که از دیوان اجاره است. حالتی غریب و بس عجیب دارد. شخصی را نشسته بینی و گویند استاد است. گاوی و مرغی چند در کارخانه بسته دارد. هم در آن حال که مقتول سیمین یا زرین در آتش است، به آذوقه دادن و چینه دادن گاو و مرغان مشغول است. دیگری بی آنکه نگاه کند سکه می زند به هر شکل و وضع که بیرون آید: چپ، راست، شکسته، درست، گرد، دراز. دو نفر دیگر پاسبان اویند که نذزدند و دودستی دیگر است بی صاحب که صاحب آنان پیدا نیست، صیقل چی هستند. هر کس در هر وقت خواهد آید. اگر زر و سیمی داشته

۳۴- تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۸۱ و ۲۹۴. ۳۵- تاریخ طبرستان ابن اسفندیار ج ۱ ص ۱۱۶. ۳۶- همین کتاب ص ۱۲۵.

باشد، سکه زنند.^{۳۷}

قلعه توجی (= ترجی)
در حوالی بارفروش ده (بابل)

قلعه توجی در دست کیاوشناسف جلال از حکمروایان سلسله جلالیان مازندران بود. در جنگی که سید کمال الدین مرعشی با او کرد، سید کمال الدین فاتح شد «پس از فتح امر کرد تا قلعه را بشکافتند و با زمین هموار کردند و مدتی همچنین خراب بود. در واقعه ماهانه سر و آمدن امیر تیمور به مازندران همچنان آباد بود و در این وقت آنرا خراب کردند. در عهد سلطنت سید علی بن سید کمال الدین بنیاد عمارت کردند، اما تمام نکرده بودند.^{۳۸} و در عهد سید ظهیر الدین (۸۸۱ قمری) همچنان خراب بوده است. رابینو شهر تجری (ترجی) قدیم را نزدیک مشهد سبز دانسته و در باره آن می نویسد: «نزدیک مشهد سبز آثار دیوار و خندقهایی است که علف و بوته های فراوانی بر آنها روئیده است. این خرابه های شهر تجری (ترجی) است که محیط آن چهار میل بوده است.» رابینو پس از این شرح، نظر درن را درباره این شهر چنین نوشته است: «درن معتقد است این شهر در بندپی است و بر سر خرابه های آن بقعه نوامام بنا شده است.»^{۳۹} سبز مشهد را تاجائیکه ما اطلاع داریم در شمال بارفروش ده بوده است.^{۴۰}

باغ شاه بارفروش ده در زمان
شاه عباس دوم (۱۰۶۴-۱۰۷۳)

شاه عباس دوم در سال ۱۰۶۴ پس از گرم شدن مازندران از فرح آباد به ساری و از ساری متوجه علی آباد (شاهی) شد و از آنجا به بارفروش ده رفت و «چون تعریف بارفروش ده و عمارات آنجا که یکی از امصار مازندران است مکرر به سمع اشرف

۳۷- نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۲۸ الف. ۳۸- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران چاپ درن ص ۲۷۶ و ۳۷۷ و ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو ص ۱۷۵. ۳۹- سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو متن انگلیسی ص ۱۱۸. ۴۰- تاریخ خاندان مرعشی مازندران صفحات ۱۷۰ و ۲۵۵ و ۲۸۴ و ۳۵۴.

رسیده بود، متوجه محل مزبور گشته سیرباغات و عمارات آنجا کرده، به سمت مقرر مراجعت کرده، روانه فیروزکوه گشتند»^{۴۱}.

در سال ۱۰۷۳ شاه عباس دوم از قریه علی آباد (شاهی) به بارفروش ده آمده و از آنجا از راه قریه چپک رود به دریاچه کاله و فرح آباد رفته است.^{۴۱} در سفر دیگر «از قریه علی آباد متوجه بارفروش ده گردیدند و در اوقات توقف گلچین سیر آن ازهار دایم بهار گشته، هر عصر سیر دریاچه که محیط دولتخانه مبارک است فرمودند.»^{۴۲}

باغ شاه و بحرالارم بارفروش
در زمان فتحلی شاه قاجار

ذکر نهضت موبک همایون شاهنشاه فلك جاه خاقان اكبر سلطان فتحعلي شاه

قاجار به بارفروش و نزول در عمارات بحر ارم ولایت مازندران در خوبی هوا و کثرت ماء و تراکم اشجار و وفور سبزه زار معروف است و به بسیاری نخجیرگاه و ازدیاد طیور موصوف. تماشاگاهی است زیننده و تفریح گاهی پسندیده و شاه عباس صفوی در بارفروش و اشرف البلاد و فرح آباد عمارات دلپسند بنیاد نهاده، از جمله درحوالی سبزمیدان قریب به بارفروش، آبخیری ژرف و شمیری است شگرف. در وسط آن عمارت رفیع و فضاهای وسیع مشتمل بر بیوتات اندرونی و بیرونی حتی گرمابه و مسجد مترتب است (عکس شماره ۱۰۹) و گرداگرد آن عمارات را آب احاطه کرده و در نهایت عمق است و معبر آن منحصر است به تخته پلی که شاه عباس پایه آنرا از قعر آب بنیاد نهاده و بر فراز آب ساخته و تا فضای محوطه رسانیده و سواره و پیاده از آن پل عبور و مرور کنند و انواع و اقسام طیور آبی در آن مرداب در نهایت توافر روزها و شبها در زورقهای کوچک نشسته با تفنگ و شبکه به اصطیاد مرغ و ماهی مشغولی

۴۱ و ۴۲ و ۴۳ - عباسنامه ص ۳۲۶. عمارات باغ شاه به دستور شاه عباس اول و به سر کاری سید جعفر وزیر ساروی ساخته شده است.

کنند. مع القصه مکانی است در غایت نزاهت و لطافت و حیزی در نهایت نضارت و خضارت. حضرت خاقان گیتی ستان و شاهنشاه صاحبقران که سالها در سن صباوت در آن بلاد به شکار و راحت معتاد بود، در این اوقات نشاط شکار مرغابی فرمود و در آن دریاچه که به «بحر ارم» موسوم، نزول گزیده شبانروز به شکار و عیش می گذرانید و شبها به افروختن شموع و چراغان و عکوس شعلات آتشبازی در آن بحر ارم سان، سطح زمین نمونه چرخ هفتمین همی بودی. بعد از فراغ از عیش و شکار در پنجشنبه پنجم جمادی الاول سال ۱۷۳۲ [به طهران رجعت فرمود.^{۴۴}

باغ شاه و بحرالارم در سال ۱۲۶۰

هولمز می نویسد: «باغ شاه که در میان دریاچه ای مدور به قطر نیم فرسنگ در کنار بابل رود به فرمان شاه عباس بزرگ احداث گردیده بود، در این تاریخ قرارگاه اردشیر میرزا، برادر ناتنی محمد شاه محسوب می شد.»^{۴۵}
چارلز استوارت^{۴۶} که هشت سال قبل از هولمز (در ۱۷۳۵) از این صفحات دیدن کرده است، در سفرنامه خویش تصریح می کند که در وسط باغ شاه که میان بحر ارم، واقع در چهار فرسنگی، ۱۶ میلی دریای خزر، قرار دارد، عمارت کلاه فرنگی زیبایی وجود داشت که «ماگوشه ای از آنرا برای اقامت برگزیدیم: این کلاه فرنگی به فرمان والی سابق - ملک آرا - احداث گردیده و بعضی از اطاقهایش بسیار عالی است. اما اکثر مسافرانی که پیش از ما گام به این کاخ نهاده بودند، اسبان و استران خود را در این اطاقها بسته بودند و از آنها برسبیل اصطبل استفاده می کردند ماینز به تبعیت از ایشان چنین کردیم. اندرون عبارت از چهار گوشه ای است با دیوارهای بلند

۴۴- روضة الصفاء ناصری ج ۹ ص ۲۲۹.

Holmes W. R. : Sketches on the Caspian London. 1845. P. 162 - ۴۵

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان و مازندران و آذربایجان ص ۳۵.

Charles Stuart - ۴۶.

که صد یارد با کلاه فرنگی فاصله دارد. در این جزیره بحر ارم درختان نارنج و سایر انواع مرکبات کاشته‌اند و خود دریاچه مالامال از مرغابی و اردک و علف و مخصوصاً غولک است که این موجودات پیوسته با صدای قورقور خود مرا بکلی بی طاقت کردند.^{۴۷}

باغ شاه عباس و بحر الارم از دیدگاه ملکنوف

ملکنوف می‌نویسد :

« این باغ همچون جزیره‌ای بوده بحر الارم نام . در طرف شمال آن مردابی . عمارات آن را محمد قلی میرزا خراب ساخته از آلات آن خانی دیگر ساخته که اکنون پدیدار نیست . اکنون در این باغ چهار اطاق کوچک است. عمارت اندرونی آن کمتر خراب است. حمامی نیمه ویرانه و مارزار دارد . آنچه ستونها که برای آب آبنار آورده بودند ، اکنون در هر گوشه پراکنده افتاده است . این ستونها شاید جزو عمارات مخروبه بوده باشند . این جایگاه طولاً و عرضاً ۲۲۰ قدم است . مرداب آن نیز از و نخجیر گاه بارفروشیان است .

در باره پلی که در این دریاچه بوده است می‌نویسد :

چون از شهر بارفروش گذرند به باغی دراز رسند که در پهلوی آن پلی است . چهل و شش ستون دارد سنگی و بزرگ به طول ۱۸۰ قدم که با عمارات شاه عباس ساخته شده ، اکنون ویرانه است . یک نفر با احتیاط از وی گذرد .^{۴۸}

Stuart Charles: Journal of A Residence in Northern Persia, London, 1954. P. 274.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان و مازندران و آذربایجان ص ۳۵ و ۳۶ . ۴۸ - نسخه عکسی ملکنوف ص ۷۹ ب و ۸۰ الف .

قصر بحرارم از نظر ناصرالدین شاه و محمدحسن خان اعتمادالسلطنه

نزدیک شهر بارفروش (= بابل) مردابی پیدا است . در وسط مرداب جزیره‌ای است . اشجار نارنج در آنجا غرس شده است . شاه عباس بزرگ قصری در آنجا بنا کرده موسوم به بحرارم . از جزیره تا به شهر پلی تعبیه شده است . بیست و نه پایه دارد از آجر و آهک . بر روی این پایه‌ها تخته افکنده‌اند که مردم از روی آن عبور و مرور کنند . در سفری که میرزا حسن خان اعتمادالسلطنه در رکاب ناصرالدین شاه به بارفروش رفت در روزنامه سفر خود وضع بحرارم را این طور نوشته :

« جمعه نوزدهم شوال هزار و دویست و نود و دو، وارد بارفروش^{۴۹} شدیم . منزل اعلیحضرت اقدس شهریار در بحرارم است . ابنیه شاه عباس و آنچه که خاقان مغفور طاب الله ثراه تعمیر کرده خراب شده بود . (عکس شماره ۱۰۲) در سنه هزار و دویست و هشتاد و دو که موکب پادشاهی به مازندران تشریف برده بودند ، حکم به ساختن عمارات مجددی در بحرارم فرموده بودند که مرکب از بیوتات عدیده و دیوانخانه و حرمانه و حمام و غیره باشد . این عمارات آلان تمام و مسکن خدام حضرت پادشاهی است . دور جزیره تقریباً هزار و پانصد ذرع است . عرض مرداب از جزیره الی کنار دریا، جاهای عریض هزار قدم است . در وسط مرداب علفهای آبی بخصوص نیلوفر زیادی روئیده است . ماهی آب شیرین و مرغابی زیاد در این مرداب موجود است . وسط مرداب سمت غربی ، پنج شش پایه از آجر بالا آمده است که با قایق آنجا باید رفت . ظاهراً آنجا شکارگاه مرغابی بوده است . تختی بالای این پایه‌ها بوده است . شاه عباس آنجا نشسته، شکارچی‌ها مرغابیها را پرانیده ، نزدیک می‌آوردند و صید می‌کرد.^{۵۰}

ناصرالدین شاه روز شنبه بیست و ششم ذی‌الحجه سال ۱۲۹۲ بحرارم را دیده و در

۴۹- دراصل وارد اشرف شدیم . ۵۰- مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۵۷ .